



فضای مجازی

و وظایف روحانیت



هادی صادقی *

مقدمه

امروزه فضای مجازی سبک نوینی در زندگی بشر به وجود آورده که دنیای متفاوت و پرقدرتی است؛ از آن جا که تقریباً تمام جوانان در این فضا حضور دارند، برای متولیان تبلیغ دین ظرفیتی مناسب ایجاد شده تا بتواند اندیشه‌های اسلامی را به نسل جوان انتقال دهند؛ در رأس متولیان دینی روحانیت قرار دارد که نباید در این دنیای جدید غایب باشد؛ وگرنه نتیجه‌اش این می‌شود که گویی جامعه‌ای بزرگ بدون هادی و راهنما رها شود! حوزه نسبت به راهنمایی تک تک انسان‌ها مسئولیت دارد؛ بنابراین برای حضور در این عرصه نباید لحظه‌ای درنگ کرد؛ زیرا مخاطبان فضای مجازی آن قدر زیادند که می‌توان این فضا را جهان دوم نامید! البته این دنیای دوم در سال‌های اخیر کم‌کم به زندگی اول بسیاری از افراد؛ به ویژه جوانان تبدیل شده است. اقشار جوان بیش از آن که در دنیای حقیقی سیر کنند در این فضای مجازی و

در گروه‌های غیر مذهبی و روشنگری و تولید مطالب ناب برای آشنا کردن نسل امروز با گفتمان دینی است.

● نبود ادبیات مشترک

یکی از نقیصه‌هایی که برخی روحانیون گرفتار آن هستند، نداشتن زبان مشترک با جوانان است. مولوی می‌گوید:

چون که با کودک سر و کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد
با هر قشری باید متناسب با خودش سخن
گفت؛ بنابراین یکی از کمبودها در عرصه فضای مجازی، متناسب نبودن بیان مطالب با روحیات و ادبیات رایج در میان جوانان است که این را باید تقویت کرد؛ چون که جوانان ادبیاتی مخصوص به خود دارند و گاهی از کلماتی جدید استفاده می‌کنند که نسل قبلی با آن‌ها آشنا نبوده است؛ اگر میان جوانان و روحانیت این فاصله

مفهومی پدید بیاید و تشدید شود، خطر بزرگی است؛ اساساً از میان رفتن هم‌زمانی، یکی از بزرگ‌ترین خطرات است؛ چراکه به تبع آن، همدلی و همفکری هم از میان خواهد رفت و باید این زبان مشترک حتماً حفظ شود.

● فاصله دیدگاه روحانیت با

فعالان مجازی

آسیب دیگری که به فعالیت مجازی طلاب وارد شده است،

غیر واقعی هستند؛ البته اگر زمان خواب، خوراک و... را از عمر بشر کم کنیم متوجه می‌شویم که برخی تقریباً همه عمر مفید خود را در این فضا به سر می‌برند؛ بنابراین روحانیت هم موظف است که تا حدودی در همین فضا زندگی کند تا بتواند با این افراد ارتباط بگیرد و به هدایت‌گری پردازد.

● نقش روحانیت در فضای مجازی

امروزه طلاب، روحانیون آگاه و بسیاری از مراکز تخصصی و عمومی حوزه علمیه در عرصه فضای مجازی فعال هستند؛ از این رو روحانیون جهادی، جهادشان را به فضای مجازی برده و با تشکیل گروه و کانال، همه روزه مشغول بارگذاری فیلم، عکس، گفتگو با جوانان، نشر مطالب انقلابی، اخلاقی و دینی هستند.

متأسفانه با ارزیابی دقیق می‌بینیم که بیشتر این افراد در گروه‌های همسان مشغول فعالیت هستند؛ یعنی حجم زیادی از مطالب را تولید می‌کنند؛

ولی مخاطب آن‌ها همفکران و دوستان خودشان هستند و این یک نقص مهم است؛ بنابراین حضور روحانی باید در جمع‌های ناهمسان بیشتر شود؛ وظیفه هدایت‌گری آن‌هاست که تحقق می‌یابد. این که عده‌ای از افراد مذهبی در یک گروه عضو باشند و برای هم‌دیگر مطالب دینی بفرستند چندان فایده‌ای ندارد؛ وظیفه یک مبلغ حضور

یکی از کمبودها در عرصه فضای مجازی، متناسب نبودن بیان مطالب با روحیات و ادبیات رایج در میان جوانان است که این را باید تقویت کرد؛ چون که جوانان ادبیاتی مخصوص به خود دارند و گاهی از کلماتی جدید استفاده می‌کنند که نسل قبلی با آن‌ها آشنا نبوده است؛ اگر میان جوانان و روحانیت این فاصله مفهومی پدید بیاید و تشدید شود، خطر بزرگی است.

فاصله فکری با نسل جوان است؛ بنابراین ارزش‌ها و بینش‌های حوزویان، فاصله زیادی با نسل جوان امروزی دارد و مبلغ فضای مجازی باید مهارت تنزل خود را بیاموزد؛ این به معنای دست برداشتن از اصول و ارزش‌های طلبگی نیست؛ بلکه همان روش پیامبران در تبلیغ و ترویج دین و جذب قلوب است و هنر پیمودن راه هدایت‌گری، تدریجی بودن آن است؛ همچنین باید از احکام ساده، برخورد ظریف، مهربانانه و دوری از سخت‌گیری و برخورد خشن شروع کرد؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبلیغ

خود ابتدا می‌فرمود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»؛ در آغاز بعثت، تنها از مردم می‌خواست که یکتاپرست شوند و از بت‌ها کناره‌گیری کنند؛ ولی بعدها خمس، زکات و جهاد در راه خدا را واجب قرار داد و شراب و قمار را هم تحریم کرد و جالب این‌که مسلمانان هم پذیرفتند؛ چون همه این مراحل گام‌به‌گام طی شده است. در اوایل بعثت، ظرفیت مردم اندک بود و اگر چنین احکامی وضع می‌شد؛ بی‌گمان نمی‌پذیرفتند! نسل جوان امروز هم چنین حالتی دارند؛ البته احکام گوناگون را در کتاب و رسانه خوانده و شنیده؛ ولی تبدیل به باور نشده است؛ حتی برخی از آن‌ها به مطالعه انواع

یکی از مبانی‌ای که توسط روشنفکران بظاهر دینی به نسل امروز عرضه شده، موضوع تعدد قرائت‌ها از دین است؛ بنابراین بسیاری از جوانان؛ به‌ویژه دانشجویان و کسانی که اندک مطالعاتی دارند، خود را صاحب قرائت از دین می‌دانند و با مبانی اجتهادی آشنا نیستند؛ ولی اجتهاد می‌کنند، نظر می‌دهند و حاضر به تقلید نیستند؛ در چنین مواردی شیوه‌ها باید متفاوت باشد.

مبانی غیر اسلامی می‌پردازند تا بتوانند مبانی اسلامی را رد کنند. بنابراین باید گام‌به‌گام و با استدلال اقناع‌کننده با آنان روبه‌رو شد.

یکی از مبانی‌ای که توسط روشنفکران بظاهر دینی به نسل امروز عرضه شده، موضوع تعدد قرائت‌ها از دین است؛ بنابراین بسیاری از جوانان؛ به‌ویژه دانشجویان و کسانی که اندک مطالعاتی دارند، خود را صاحب قرائت از دین می‌دانند و خود اجتهادی می‌کنند! روحانی با نسلی خودمجتهدپندار مواجه است که اساساً هیچ صلاحیتی در این زمینه ندارند و با مبانی

اجتهادی آشنا نیستند؛ ولی اجتهاد می‌کنند، نظر می‌دهند و حاضر به تقلید نیستند؛ در چنین مواردی شیوه‌ها باید متفاوت باشد. یکی از ویژگی‌های برخی از جوانان امروزی این است که ضمن کم‌شدن پایبندی‌اش به شعائر دینی، سعی می‌کند نوعی مکتب اخلاقی برای خود داشته باشد؛ البته این برای روحانی می‌تواند دستاویزی مثبت باشد تا از این دریچه برای ارتباط با او ورود کند.

● سواد رسانه‌ای و مجازی امری بایسته

از ویژگی‌های دیگر این نسل، حریت است که هم فرصت است و هم تهدید! فرصت از این جهت که می‌توان از این ظرفیت در جهت

های مفقوده عرصه کار فرهنگی در کشور است؛ بنابراین اکتفا به این که چند کانال داشته باشیم و مطالب دینی را منتشر کنیم خیلی ابتدایی و ناکافی است؛ چون که فقط حضور در این فضا محسوب می‌شود؛ حتی گاهی می‌بینیم خود طلبه هم مثل دیگر کاربران، نوعی اعتیاد به فضای مجازی پیدا کرده و برخی هم تنها مصرف‌کننده یا واسطه هستند و فقط مطالب دیگران را کپی می‌کنند؛ هم‌چنین کسی هم

که تولیدکننده هست محصولاتش مناسب با این نسل نیست و بیشتر در میان همفکران، طرفدار دارد؛ از این رو باید با توجه به محیط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مطلب تولید کرد.

● ضرورت جهان‌اندیشی در میان روحانیت

امروزه مخاطب ما جهانی شده و جهانی شدن تنها در عرصه فرهنگ نیست؛ بلکه باورها، عقاید و اخلاقیاتی همچون امید و ناامیدی، تفکر اقتصادی، سیاسی و... در نسل امروز جهانی شده است؛ در چنین دنیایی آیا روحانی نمی‌تواند جهانی بیندیشد؟ متأسفانه اکثریت طلاب و روحانیت، درون‌گرا هستند؛ اساساً تربیت روحانیت، درون‌گرایانه است و معطوف به جهان‌اندیشی نیست؛ حتی متون درسی

متأسفانه اکثریت طلاب و روحانیت، درون‌گرا هستند؛ اساساً تربیت روحانیت، درون‌گرایانه است و معطوف به جهان‌اندیشی نیست؛ حتی متون درسی حوزه هم از این درون‌گرایی تأثیر گرفته است؛ بدین معنا که در تمام دروس حوزوی از پایه اول تا اجتهاد و مرجعیت، یک واحد درسی در این زمینه که طلبه را با ضرورت و لوازم جهان‌اندیشی، تعامل فکری و تبادل آثار علمی با دیگر ادیان و مذاهب آشنا کند وجود ندارد؛

رشد و تعالی اندیشه آن‌ها استفاده کرد. این هم یکی از وظایف روحانیت است که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است. برخی از طلاب، وقتی وارد فعالیت‌های مجازی می‌شوند گمان می‌کنند که با مخاطبی از جنس سال‌های گذشته روبه‌رو هستند و با همان ادبیات با آنان تعامل می‌کنند و این یکی از مشکلات ماست. بسیاری از مطالبی که تولید می‌شود اساساً برای نسل جوانی که بسیاری از

آن‌ها در فضای مجازی سرگرم شبکه‌های قمار، بازی‌های رایانه‌ای و سایت‌های فاسد شده‌اند، اقناع‌کننده نیست. نوجوانی را در حال احرام در مکه دیدم که تمام هم‌وغم او عقب‌ماندن از بازی‌های آنلاین جهانی بود! تمام زندگی‌اش را این بازی گرفته بود! ما با چنین نسلی مواجه هستیم؛ بنابراین در جامعه‌ای که چنین خانواده مذهبی که عقیده به عمره داشته و علاقه‌مند به دین است این‌گونه گرفتار این فضا شده، وضع غیر مذهبی‌ها چگونه خواهد بود؟ پس باید جهادگونه و با برنامه عمل کرد تا بتوان تأثیرگذار بود. لازم است که روحانیت در این عرصه آموزش ببیند و کار فرهنگی خود را در این فضا به صورت حرفه‌ای و با بهره‌گیری از جدیدترین روش‌ها پیش ببرد؛ این هم یکی دیگر از حلقه-

حوزه هم از این درون‌گرایی تأثیر گرفته است؛ بدین معنا که در تمام دروس حوزوی از پایه اول تا اجتهاد و مرجعیت، یک واحد درسی در این زمینه که طلبه را با ضرورت و لوازم جهان‌اندیشی، تعامل فکری و تبادل آثار علمی با دیگر ادیان و مذاهب آشنا کند وجود ندارد؛ حتی ارتباط و تبادل نظر با دانشگاه هم بسیار کم است، تا چه رسد به تعامل با واتیکان و الازهر. چرا حوزه با

روشنفکران اروپا، کانادا، چین، ژاپن، هند و... تبادل فکری ندارد؟ این قطع ارتباط با دیگر مذاهب در کشورهای گوناگون و مطالعه نکردن آثار علمی و کلامی آن‌ها سبب می‌شود که ذهنیت طلبه، محدود و منزوی بار بیاید! این نوع تربیت، همین الان هم به قول رهبر انقلاب، حوزه علمیه را منزوی کرده و در آینده به طور قطع شدت بیشتری خواهد یافت! بنابراین باید در نوع تربیت حوزوی، تجدیدنظری صورت گیرد؛ البته معنای سخن ما این نیست که نباید صرف، نحو، اصول، فقه و... خوانده شود؛ بی‌گمان این‌ها لازم است؛ ولی باید حدودمرزی برایش تعیین شود تا بتوان در کنار این‌ها آموزش‌های دیگری هم به طلاب داد.

ایجاد ارتباطات جهانی در این باره بسیار مؤثر است؛ بنابراین مسیر فکری،

● به نظر می‌آید که حوزه هنوز ذهنیت روشنی نسبت به مفاهیم جهانی شدن و تعامل با جهان ندارد. در گذشته دوره‌ای داشتیم که طلبه‌ها حتی با اجتماع هم چندان سروکار نداشتند؛ ولی امروزه و بعد از انقلاب، روحانیت حضور اجتماعی خوبی پیدا کرده؛ از این رو باید بدانیم که دوره اجتماعی بودن هم گذشته و زمان جهانی شدن است.

تحقیقاتی و حتی پیشرفت علمی بسیاری از طلاب متحول خواهد شد. تبلیغ هم دچار تحولی مهم خواهد شد؛ تجربه به ما ثابت کرده که هرکس اهل این تعاملات شد تحولی مهم در قلمرو فکری و آثار علمی او پدید آمده و شکل خواهد گرفت؛ این یکی از ضروریاتی است که باید به صورت کلان در حوزه‌ها واقع شود.

● ضرورت تقویت اعتقادی طلاب

ذکر این نکته لازم است که در فرایند جهانی شدن طلبه‌ها باید مراقبت کرد که مبدا اصول و مبانی تضعیف شود. در این میان مرز ظریف و دقیقی وجود دارد؛ متأسفانه روحانیونی هستند که گرفتار این آفت شدند و بعد از آشنایی با مکاتب غربی، واداده و تسلیم این مکاتب شدند؛ از این رو نخست باید اصول و مرز آن‌ها به درستی برای طلاب تبیین شود تا در مواجهه با ایدئولوژی‌های رقیب، دچار لغزش نگردند؛ در تقویت پایه‌های فکری و فلسفی طلاب، کم‌کاری صورت می‌گیرد؛ کلام و فلسفه چندان جایگاهی در متون درسی حوزه ندارد؛ از آن‌جا که با ابزار فقه نمی‌توان در برابر هجمه‌ها و شبهه‌های پیچیده اعتقادی مقابله کرد؛ بنابراین باید مباحث جدید کلامی و فلسفی جزو متون اصلی حوزه باشد و اگر معارف به صورت عمیق و استدلالی در جان طلبه جای نگیرد، در رویارویی با شبهات و

استدلال‌های فریبنده روشنفکران دچار تزلزل در باورها خواهند شد.

امروزه اگرچه مباحث کلامی در حوزه بیشتر از گذشته تدریس می‌شود؛ ولی لازم است که سبک و سیاقی جدید پیدا کند و برخی از متون کلامی که تدریس می‌شود خیلی قدیمی و سنتی بوده و جوابگوی همه نیازهای نسل امروز نیست.

به هر تقدیر حضور در محیط جهانی و جهان‌اندیشی خطرات و فرصت‌هایی ایجاد می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌آید که حوزه هنوز ذهنیت روشنی نسبت به مفاهیم جهانی شدن و تعامل با جهان ندارد. در گذشته دوره‌ای داشتیم که طلبه‌ها حتی با اجتماع هم چندان سروکار نداشتند؛ ولی امروزه و بعد از انقلاب، روحانیت حضور اجتماعی خوبی پیدا کرده؛ از این رو باید بدانیم که دوره اجتماعی بودن هم گذشته و زمان جهانی شدن است.

البته جهانی شدن، یک سیر طبیعی است که خودبه‌خود ایجاد خواهد شد؛ ادبیات و طرز تفکر روحانیون با بیست سال قبل، بسیار فرق کرده و به این سو رفته است؛ در رشته‌های اعتقادی، اخلاقی و... بحث‌هایی جدید مطرح شده که تاده سال پیش، خبری از آن‌ها نبود، حتی چندین رشته

اعتقادی ایجاد شده؛ هم‌چنین مؤسسه‌های ویژه درباره مطالعات ادیان فعالیت می‌کند؛ رفت و آمدها میان مراکز حوزوی با دانشجویان و دانشگاه‌های خارجی و نشست‌ها و سفرهای علمی بیشتر شده؛ ولی آنچه به حوزه ضربه خواهد زد تأخیر در ایجاد این‌گونه تحولات است؛ هرچه دیرتر به فکر بیفتیم مخاطب بیشتری از دست خواهد رفت؛

ضمن آن‌که این اقدامات، کافی هم نیست؛ مثلاً مباحث کلامی جدید وارد برنامه اصلی و رسمی حوزه نشده است، بلکه متن اصلی آموزش‌های حوزوی همان متون سنتی است.

ما ناچاریم برای جهانی کردن طلبه‌ها تن به ریزش هم بدهیم؛ بدیهی است که در کارزار اندیشه‌ها کسانی که بنیادهای فکری‌شان سست باشد خواهند لغزید و باید تلاش کرد که ریزش‌ها به حداقل برسد و برای کم کردن تلفات در این عرصه، اولاً باید مبنای را در آموزش‌ها

محکم کرد؛ ثانیاً باید افراد نخبه را وارد این عرصه کرد؛ ثالثاً مدیریت حوزه‌های علمیه نیز باید با رویکردی جهان‌اندیش تحولات آتی حوزه را رقم بزند؛ اگرچه نشانه‌های مثبتی از این تحول را در دوره جدید مدیریت حوزه شاهد بوده‌ایم؛ هرچند این تحولات با

ما ناچاریم برای جهانی کردن طلبه‌ها تن به ریزش هم بدهیم؛ بدیهی است که در کارزار اندیشه‌ها کسانی که بنیادهای فکری‌شان سست باشد خواهند لغزید و باید تلاش کرد که ریزش‌ها به حداقل برسد و برای کم کردن تلفات در این عرصه، اولاً باید مبنای را در آموزش‌ها محکم کرد؛ ثانیاً باید افراد نخبه را وارد این عرصه کرد؛ ثالثاً مدیریت حوزه‌های علمیه نیز باید با رویکردی جهان‌اندیش تحولات آتی حوزه را رقم بزند.

کندی‌هایی روبه‌رو است که خارج از اراده مدیریت حوزه می‌باشد. متأسفانه بدنه حوزه هنوز آن‌گونه که باید، ظرفیت این تحولات را پیدا نکرده است؛ عواملی غیر از مدیریت بر سر این راه، موانع زیادی ایجاد می‌کنند، بعضی از این موانع به صورت طبیعی وجود دارد و برخی دیگر مربوط به اراده افراد است.

● نماد روشنفکری حوزه

حوزه یک نهاد مدنی است که بدنه‌ای اصلی و پیرامونی دارد؛ نهادهای پیرامون حوزه

به مثابه نهادهای مدنی در کنار نظام‌های سیاسی است که اگر برای آن‌ها برنامه‌ریزی بیشتری شود تا به سوی این تحولات، روی آورند راهگشا خواهد بود.

برخی از نهادهای حوزوی مستقلاً به دنبال تحول‌خواهی رفته‌اند؛ برای نمونه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه که مقام معظم رهبری آن را نماد روشنفکری حوزه خواند؛ حقیقتاً چنین است؛ برای کارهایشان برنامه‌ریزی دقیقی ترسیم کرده‌اند، تشکیلات مستقلی برای فضای مجازی دارند و...؛ این که ایشان این مرکز را به این عنوان خطاب کردند بدین معناست که حرکت کل مجموعه حوزه باید به این سمت و سو باشد.

روشنفکری یعنی این که جهان را کاملاً بشناسیم و از جدیدترین نکات علمی آگاه باشیم و با بصیرت کافی بتوانیم مسیر تحولات را بیپیماییم؛ هم‌چنین برنامه‌ریزی کافی داشته باشیم، مبلّغ تربیت کنیم، محتوا تولید کنیم و...

دانشگاه‌ها و مؤسسات دیگری هم هستند که هر یک بخشی از این فرآیند را عهده‌دار شده و انجام می‌دهند؛ ولی اگر این‌ها اجتماعی با این هدف تشکیل می‌دادند که هرچه

بیشتر این فضا را برای کل بدنه حوزه آماده‌تر کنند و همچنان که خودشان پیش‌تاز می‌کنند، سرریز اندیشه و ابتکارات خود را به حوزه هم انتقال دهند و تعامل بیشتری با حوزه داشتند، می‌توانستند نقش اثرگذارتری ایفا کنند؛ بنابراین این نهادهای پیرامونی ضمن تعامل با یکدیگر، باید با اصل بدنه مدیریتی و نهادهای عالی حوزوی هم تعامل کنند.

● دیدگاه رهبر انقلاب درباره فضای مجازی

مقام معظم رهبری می‌فرماید: اگر رهبری به دوشم نبود، مسئولیت فضای مجازی را عهده‌دار می‌شدم! از همین رو می‌توان اهمیت این موضوع را فهمید که پس از رهبری، مهم‌ترین دغدغه ایشان مدیریت

مقام معظم رهبری می‌فرماید: اگر رهبری به دوشم نبود، مسئولیت فضای مجازی را عهده‌دار می‌شدم! از همین رو می‌توان اهمیت این موضوع را فهمید که پس از رهبری، مهم‌ترین دغدغه ایشان مدیریت فضای مجازی، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مصون‌سازی از خطرات آن است؛ زیرا ظرفیت‌های مثبت و منفی زیادی دارد که قابل مقایسه با زندگی حقیقی نیست؛ سرعت آن بسیار بالاست؛ گستره آن هم قابل مقایسه با زندگی عادی نیست.

اهل این شیوه‌ها نبودند؛ ولی در سال‌های اخیر به شدت وارد میدان شده و از این ابزار برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کنند؛ بنابراین از ترور به تخریب اندیشه، ایدئولوژی و اصل انقلاب و انقلابی‌گری روی آورده‌اند؛ بنابراین در این فضا چگونه می‌خواهیم کار کنیم؟ چقدر از آن شناخت داریم؟ چه مهارتی در این زمینه کسب کرده‌ایم؟ آنچه امروز داریم با آنچه که باید بشود فاصله زیادی دارد؛ از این رو باید آموزش‌ها مورد آسایشناسی قرار گرفته و انقلابی در سیستم آموزشی حوزه شکل بگیرد.

به تدریج نسل کسانی که هیچ فعالیتی در فضای مجازی ندارند در حال از میان رفتن است و کسی که در فضای مجازی حضور ندارد، بر اساس معیارهای سازمان ملل، بی‌سواد محسوب می‌گردد. زمانی گفته می‌شد؛ اگر کسی زبان دوم نداند بی‌سواد است؛ ولی امروز فضای مجازی معیار باسوادی شده است.

● **رسانه و نقش هنر در ترویج معارف دینی**
هنر نه تنها یک زبان؛ بلکه ده‌ها زبان است! هر شاخه هنری یک زبان است و اگر کسی هنر نداشته باشد؛ گویی زبان نمی‌داند! این مطلب، مورد تأکید رهبر انقلاب است که اگر کسی با هنر آشنا نباشد در حقیقت از تسلط بر یک زبان جدید محروم مانده است؛ البته منظور این نیست که همه باید بر تمام هنرها مسلط باشند یا هر کسی به ناگزیر هنرمند باشد؛ ولی روحانیت دست کم باید بتواند

فضای مجازی، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مصون‌سازی از خطرات آن است؛ زیرا ظرفیت‌های مثبت و منفی زیادی دارد که قابل مقایسه با زندگی حقیقی نیست؛ سرعت آن بسیار بالاست؛ گستره آن هم قابل مقایسه با زندگی عادی نیست؛ برای مثال در فضای مجازی می‌توان مطلبی را در یک لحظه به دورترین نقاط جهان فرستاد؛ شمار مخاطبان هم بسیار بیشتر است؛ روحانی که از منبر و محراب برای تبلیغش استفاده می‌کند مخاطبان محدودی دارد؛ البته این فضا معایب زیادی هم دارد؛ همانند این که اطلاعاتی که در آن جا منتشر می‌گردد هیچ‌جا راستی‌آزمایی نمی‌شود. باید این فضا را به خوبی شناخت، یارگیری و تقسیم کار کرد و با کمک افراد متخصص، لشکری قدرتمند تشکیل داد.

● **فعالیت منافقین در فضای مجازی**

گروه‌های منافقین با تحول در برنامه‌های سازمانی خودشان و با به خدمت گرفتن حدود دو هزار نفر در فضای مجازی، پیوسته به تولید محتوا علیه بنیان‌های فکری نظام اسلامی مشغول هستند؛ البته روش سنتی آن‌ها که همان ترور افراد بود همچنان پابرجاست؛ ولی امروزه بیشتر به ترور شخصیتی افراد می‌پردازند تا ترور فیزیکی! هدف آن‌ها از این اقدام، ایجاد تزلزل در باورهای مردم و بدبین‌سازی و سیاه‌نمایی علیه جمهوری اسلامی است. این اقدامات؛ بی‌گمان تأثیرگذار است و شاهدیم که هرگاه، لازم باشد اغتشاشی را سازماندهی می‌کنند. آنان تا ده سال پیش،

با این قشر که زبانی متفاوت دارند، تعامل داشته باشد.

حوزه باید بتواند از این زبان برای انتقال و ماندگاری اندیشه‌های خود بهره ببرد. وقتی کسی این زبان را نداشت، نمی‌تواند فکر و ایدئولوژی خود را ماندگار کند؛ هنر، زبان ماندگارسازی است. هنرمند ایرانی در چهارصد سال پیش، ارزش‌های درونی خود را در قالب هنری همچون معماری و کاشی-کاری پیاده کرده است و این عمل، اندیشه‌اش را ماندگار کرده است و امروز گردشگر اروپایی که اثر وی را می‌بیند مقهور آن می‌شود؛ هم‌چنین حافظ که در قرن هفتم، معارف عمیق عرفانی را در قالب زیبای شعر بیان می‌کند، خود و دانشش را ماندگار کرده است؛ هر قدر که

حوزه باید بتواند از این زبان برای انتقال و ماندگاری اندیشه‌های خود بهره ببرد. وقتی کسی این زبان را نداشت، نمی‌تواند فکر و ایدئولوژی خود را ماندگار کند؛ هنر، زبان ماندگارسازی است.

مخاطبی ندارند و در گوشه کتابخانه‌ها خاک می‌خورد.

اگر فیلم‌ها و سریال‌ها هنرمندانه ساخته شود تبدیل به آثاری ماندگار می‌شوند؛ برای مثال بسیاری از جوانان ما که اهل مطالعه کتب تاریخی نبودند با تماشای فیلم‌ها و سریال‌های فاخر تاریخی با زندگی‌نامه اهل بیت علیهم‌السلام و یاران آن‌ها آشنا می‌شوند؛ ضمن آن‌که در مواردی که این آثار از کیفیت مناسب برخوردار باشد موجب علاقه‌مندی آن‌ها به

دین و بزرگان اسلام هم خواهد شد؛ بنابراین تجربه نشان داده که وقتی در کلاس‌ها می‌خواهیم به مباحث تاریخی شخصیت‌هایی همانند امام علی علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام، مختار ثقفی و... بپردازیم برای انتقال مطالب، دچار سختی نمی‌شویم

و دانشجوی به راحتی مطالب را درک می‌کند؛ چون قبلاً سریال این بزرگان را تماشا کرده و با زندگی آن‌ها آشناست؛ برای مثال وقتی نقش ولیعهد در زمان هارون الرشید، نقش وزرا و دلایل حضرت رضا علیه‌السلام برای پذیرش ولایت عهدی مأمون را تدریس می‌کنیم مخاطب به راحتی درک می‌کند؛ چون با این فیلم‌ها توانسته با این شخصیت‌ها همزادپنداری و کاملاً فضای آن حوادث را درک نماید. فهماندن نظریه‌ها و تحلیل‌های تاریخ ائمه کار سختی است و باور آن‌ها کاری سخت‌تر؛ ولی وقتی همین‌ها در قالب هنر

جلو می‌رویم از طراوت این اشعار، کاسته نمی‌شود. فردوسی هم بسیاری از مفاهیم اخلاقی را در قالب شاهنامه بیان کرده و برای نسل‌های متمادی به یادگار گذاشته است؛ زیرا شاهنامه اثری اخلاقی و بزرگ است؛ چون ایشان فردی معتقد بوده؛ به‌ویژه این‌که در اول شاهنامه که کلامش را با خدانشناسی و مدح پیغمبر و اهل بیت علیهم‌السلام آغاز می‌کند و در آن‌جا پایه افکار خود را بیان می‌کند، نمود بیشتری دارد؛ چه بسا همین مطالب مولوی و فردوسی را افراد دیگری هم در قالب‌های علمی در کتاب‌هایشان نوشته‌اند؛ ولی چندان

که این مسیر را ادامه دهند یا خیر؟ مرجع عالیقدر هم برای ما استدلال آورد که بله ادامه این راه بر چنین کسانی واجب عینی است؛ با طرح درست موضوع، نه تنها ایشان حمایت کردند؛ بلکه حکم به وجوب عینی آن دادند و این فتوا برای طلاب دانشجوی این رشته‌ها، پشتوانه‌ای عظیم شد! اگر همین موضوع را غلط تبیین می‌کردیم ممکن بود که ایشان با فعالیت ما مخالفت کند و اصل وجود این رشته‌ها با خطر مواجه شود؛ چنان‌که نمونه‌هایی وجود دارد که با تندی‌های خود سبب شدند که علما علیه آن‌ها موضع بگیرند، حتی برخی از دانشگاه‌های حوزوی که به چنین اشتباهاتی متهم شده‌اند که افکارشان پایه درستی ندارد و به مبانی دینی پایبند نیستند؛ بنابراین باید مراقب بود که این فعالیت‌ها با رفتارهای غلط، آسیب نبیند و با جلب حمایت بزرگان، بتوان فعالیت‌ها را گسترش داد.

پی‌نوشت:

*. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث.

به مخاطب عرضه شود به دلیل ملموس بودن هنر، به راحتی می‌پذیرد؛ بنابراین با هنر می‌توان کارهای بزرگی کرد.

زمانی با شماری از دانشجویان رشته‌های تهیه‌کنندگی و ... دانشکده صدا و سیما خدمت یکی از مراجع بزرگوار رفتیم؛ پرسشی را در قالب یک توضیح و سپس استفتاء، خدمت ایشان مطرح کردیم که امروزه دنیا از زبان قدرتمند رسانه برای تبلیغ افکار و اهداف خود استفاده می‌کند و حتی کافر، مسیحی، هندو، یهودی و مسلمان، همگی کانال‌های تلویزیونی دارند، فیلم می‌سازند و از انواع رسانه‌های جمعی برای تبلیغ فرهنگ خود بهره می‌برند و بسیاری از مردم دنیا را جذب عقاید خود می‌کنند؛ این که باید از این ابزار استفاده کنیم امری واضح و مسلم است؛ بی‌گمان در این کارزار فرهنگی، واجب کفایی است که گروهی این هنر را بیاموزند و در راستای پیشبرد اهداف مقدس اهل بیت (ع) از آن کمک بگیرند و شما هم حمایت می‌کنید؛ بنابراین پرسش ما این است: افرادی این مسیر را آغاز کرده و مدتی این آموزش‌ها را فرا گرفته‌اند، آیا بر آن‌ها واجب عینی است